

آثار حقوقی جعل امضای صادرکننده و ظهنویس چک (مطالعه تطبیقی در نظام‌های حقوقی رومی - ژرمنی، کامن‌لا و حقوق ایران)

ابراهیم عبدی پور فرد* علی فتوحی راد**

چکیده

در مرحله صدور یا انتقال چک، ممکن است امضای صادرکننده یا ظهنویس جعل شده باشد. مطالعه تطبیقی نشان می‌دهد که رویکرد یا نحوه برخورد نظام‌های حقوقی با این قضیه و راه‌حل‌های آن‌ها در خصوص مسائل قانونی مختلفی که متعاقب آن در روابط میان صادرکننده، بانک پرداخت‌کننده، بانک وصول‌کننده، دارنده و سایر امضاکنندگان چک به وجود می‌آید تا حدودی متفاوت است.

در همه نظام‌های حقوقی اثبات جعلی بودن امضای شخصی که صادرکننده قلمداد شده است، منجر به رهایی او از تعهد ناشی سند تجاری است؛ اما در خصوص مبنای مسئولیت سایر امضاکنندگان ورقه تجاری اختلاف نظر وجود دارد. در فرض جعل امضای ظهنویس، رویکرد نظام‌های کامن‌لایی و رومی-ژرمنی در خصوص مالکیت چک و اولویت حمایت از «مالک واقعی ورقه

e.abdipour@qom.ac.ir

* دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه قم (نویسنده مسئول)

** دکترای حقوق خصوصی، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

ali.fotuhirad@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۱۰

تجاری» یا «انتقال گیرنده با حسن نیت»، کاملاً متفاوت است. این امر مسائل حقوقی پیچیده‌ای در روابط میان اطراف ورقه تجاری ایجاد نموده است که در این پژوهش به بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت.

واژه‌های کلیدی: سند تجاری، چک، جعل امضا، مالک واقعی، دارنده با حسن نیت.

۱. مقدمه

قرار داشتن ورقه چک در ید متصرف، ظهور در این امر دارد که سند در نتیجه اقدامی مجرمانه مانند سرقت یا جعل یا تقلب، تحصیل نشده و امضای صادرکننده چک یا هر شخص دیگری جعل نشده است. با این وجود، احتمال سرقت، جعل و تحصیل مجرمانه سند امری محتمل و در مرجع قضایی قابل طرح و قابل اثبات است (Mcjohn, 2012: 116). سؤال اول پژوهش ما این است که در فرض اثبات جعلی بودن امضای شخصی که صادرکننده قلمداد شده است، این امر چه تأثیری در مسئولیت وی و اعتبار سند تجاری دارد؟ و در صورتی که سند تجاری واجد امضاهاى دیگری باشد، مبنای مسئولیت سایر امضاکنندگان ورقه تجاری در فرض اثبات جعل امضای صادرکننده چیست؟

در فرض اثبات جعل امضای ظهرنویس، رویکرد سیستم‌های مختلف حقوقی در حمایت از مالکیت دارنده واقعی ورقه یا انتقال گیرنده با حسن نیت، کاملاً متفاوت است (Kessler, 1938: 863). سؤال دوم پژوهش ما این است که اگر سند تجاری با جعل امضای دارنده قانونی و مالک واقعی ورقه به دیگری انتقال یافته باشد، انتقالات صورت گرفته به لحاظ قانونی چه وضعیتی دارند؟ آیا مالکیت ورقه به انتقال گیرنده با حسن نیت منتقل می‌شود و حق مطالبه آن را از محال علیه دارد؟ آیا امکان جلوگیری از پرداخت وجه سند به دارنده با حسن نیت وجود دارد؟ و در فرض وصول ورقه تجاری امکان استرداد وجوه دریافتی از دارنده با حسن نیت وجود دارد؟ و در هر حال، هر یک از بانک‌های وصول‌کننده و پرداخت‌کننده وجه سند در برابر مالک حقیقی ورقه تجاری

چه مسئولیتی دارند؟

پژوهش ما بر این فرضیه استوار است که باید با در نظر گرفتن ویژگی‌ها، اصول حاکم و کارکردهای سند تجاری، آثار جعل و تحصیل مجرمانه و انتقال آن به دارنده با حسن نیت از منظر کارکردگرایانه و فلسفه ایجاد و گردش اوراق تجاری مورد ارزیابی و تحلیل قرار گیرد؛ تا معلوم شود کدامیک از راه‌حل‌ها در نظام‌های حقوقی مختلف ترجیح دارد و با نیازها و مقتضیات تجاری هماهنگی بیشتری داشته و آثار و تبعات منفی کمتری دارد.

با توجه به سؤالات پژوهش و تفاوت آثار حقوقی جعل امضای صادرکننده و ظهرنویس، نتایج پژوهش در دو مبحث ارائه می‌شود. در مبحث اول، آثار اثبات جعل امضای صادرکننده در رفع مسئولیت صادرکننده و مبنای تحلیلی مسئولیت سایر امضاکنندگان از دو منظر رومی ژرمنی و کامن‌لایی در دو بند جداگانه بیان می‌شود. مبحث دوم، به بررسی آثار حقوقی جعل امضای ظهرنویس اختصاص یافته است و با توجه به تفاوت رویکرد نظام‌های حقوقی در حمایت از مالک واقعی یا دارنده با حسن نیت، مباحث این مبحث برحسب تمایز رویکردها و راه‌حل‌ها در چند بند ارائه می‌شود.

۲. جعل در مرحله‌ی صدور اسناد

۲.۱. حکم مسئله در حقوق موضوعه

صدور چک اصولاً توسط شخص صاحب حساب جاری یا نماینده او امکان‌پذیر است. به‌هرحال، شخصی که امضای منتسب به او در سند تجاری جعل گردیده است می‌تواند با اثبات جعلی بودن امضای انتسابی، خود را از تعهد و مسئولیت ناشی از امضای سند تجاری برهاند. در این خصوص اختلاف دیدگاهی در نظام‌های مختلف حقوقی رومی-ژرمنی و کامن‌لا وجود ندارد (Kessler, 1938: 863) و از آن به عنوان یک دفاع جهانی یا واقعی یاد شده است که در برابر هر شخصی، حتی دارنده با حسن نیت، امکان‌پذیر و قابل استناد است. (Clarkson et al, 2012: 508) به بیان دیگر، به عنوان یک قاعده عمومی در حقوق اسناد تجاری، امضای غیرمجاز به طور کلی مؤثر

نیست و شخصی که نام یا امضای او جعل شده در برابر دارنده ورقه تجاری تعهد و مسئولیتی ندارد. در حقوق آمریکا این قاعده بر اساس مفاد بند الف ماده ۳-۴۰۳ قانون متحدالشکل تجاری بیان شده است (Miller & Jentz, 2010: 564). با این وجود، بر اساس این ماده و ماده ۳-۴۰۶، در صورتی که غفلت شخصی که نام یا امضای وی جعل شده در تحقق جعل به گونه‌ای مشارکت داشته و مؤثر بوده است، مسئولیت وی رفع نمی‌شود و دادگاه ممکن است ادعای شخص در مورد بی‌اعتباری امضای بدون مجوز را نپذیرد. (Mann & Roberts, 2012: 551)

قانون بروات انگلیس هم در ماده ۲۳، مسئولیت اشخاص را فرع بر امضای ایشان دانسته است. ماده ۲۴ به موضوع جعل و امضاهاى بدون مجوز اشاره دارد و بر اساس آن امضای مجعول علیه شخص قابل اجرا و اعمال نبوده و حقی را نیز برای دارنده ایجاد نمی‌نماید. (Lawrence, 2002: 503)

در قوانین تجاری سیستم‌های رومی ژرمنی همانند ماده 5-511L قانون تجارت فرانسه به این قاعده تصریح شده است که «امضای جعلی در ورقه تجاری، شخصی را که امضایش جعل شده ملتزم و متعهد نمی‌سازد، اما این واقعه تعهدات براتی سایر امضاکنندگان را از اعتبار نمی‌اندازد». قاعده یادشده برگرفته از ماده ۱۶ کنوانسیون ۱۹۳۱ ژنو در خصوص چک است: «در صورتی که چک متضمن امضاهاى مجعول و... باشد که نتوان امضاکننده را متعهد نمود، مسئولیت سایر اشخاص امضاکننده چک به قوت خود باقی است». همین قاعده در ماده ۷ کنوانسیون ۱۹۳۰ ژنو راجع به برات و سفته بیان شده است. بر اساس ماده ۳۰ کنوانسیون آنسیترال راجع به برات و سفته بین‌المللی نیز جعل امضای شخص و فقدان اهلیت امضاکننده از استثنائات اصل عدم توجه ایرادات در برابر دارنده سند تجاری است.

قانون تجارت ایران در خصوص این مسئله تصریحی ندارد؛ اما از ظاهر ماده ۳۱۱ ق.ت، می‌توان این قاعده را استنباط کرد که امضای با اصالت صادرکننده از شرایط اساسی چک است و شخصی که امضای او به عنوان صادرکننده جعل شده از مسئولیت ناشی از امضای سند تجاری معاف است. رویه قضایی هم به‌درستی از این قاعده تبعیت نموده است. بر اساس دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۱۷۰۱۰۶۱ مورخ ۱۳۹۱/۷/۲۹ صادره

آثار حقوقی جعل امضای صادرکننده و ظهرنویس چک (مطالعه تطبیقی... ۱۹۵

از شعبه ۱۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، با وجود جعل امضای صادرکننده، ظهر نویسی باطل نبوده و ظهرنویس محکوم به پرداخت وجه چک و خسارت تأخیر تأدیه می‌گردد. در این رأی ضمن بیان عدم استحقاق دارنده در مطالبه وجه چک از صادرکننده یا بانک محال‌علیه، بنا بر اصل استقلال امضاها تعهد و مسئولیت ظهرنویس در برابر دارنده با حسن نیت را به قوت خود باقی دانسته است (اداره انتشار رویه قضایی کشو، ۱۳۹۳: ۱۱۶).

اما اداره حقوقی قوه قضائیه طی نظریه ۷/۲۰۳ مورخ ۱۳۹۱/۲/۹ در این باره نظریه نسبتاً متفاوتی را ارائه نموده است: «چکی که توسط دارنده حساب امضا نشده یا امضای وی جعل شده است هیچ‌گونه تعهدی برای وی ایجاد نمی‌کند و بدون امضای واقعی دارنده حساب، سند تجاری شکل نگرفته و دارنده چک از مزایای این سند بی‌بهره خواهد بود و حتی علیه سایر امضاکنندگان نیز نمی‌تواند از آن به استناد یک سند تجاری از مزایای مربوط به سند تجاری استفاده نماید، زیرا با جعلی بودن امضای صادرکننده از ابتدا سند تجاری شکل نگرفته است...». قسمت اول نظریه مطابق قاعده است اما قسمت دوم آن به شدت محل ایراد است که در بحث بعدی به آن خواهیم پرداخت.

۲.۲. مبنای مسئولیت سایر امضاکنندگان

در مورد مبنای مسئولیت سایر امضاکنندگان، در فرض اثبات مجعول بودن امضای صادرکننده، در نظام‌های مختلف حقوقی اختلاف نظر وجود دارد. در رویکرد رومی ژرمنی، مبنای مسئولیت سایر امضاکنندگان سند تجاری در این فرض، «تعهد براتی» آن‌هاست (عبدی‌پور فرد، ۱۳۹۴: ۲۶۵). در تحلیل حقوقی این قاعده گفته می‌شود هر یک از فرآیندهای صدور، قبولی، ظهر نویسی و ضمانت خود عمل حقوقی مستقلی است که با تحقق آن برای امضاکننده تعهدی به نام تعهد براتی یا تعهد ناشی از سند تجاری ایجاد می‌شود. این تعهد مستقل از تعهد سایر امضاکنندگان است و بی‌اعتباری امضا و تعهد صادرکننده تأثیری در اعتبار تعهد و مسئولیت سایر امضاکنندگان ندارد. قاعده‌ای

که از آن به اصل استقلال امضاها در اسناد تجاری تعبیر می‌شود. فلسفه وضع این قاعده جلوگیری از بی‌اعتباری سند تجاری به عنوان یک سیستم پرداخت و حمایت از حقوق دارنده با حسن نیتی است که به ظاهر سند تجاری اعتماد کرده و آن را به عنوان وسیله پرداخت در معامله خود با انتقال دهنده، پذیرفته است (عبدی‌پور فرد، ۱۳۹۳: ۱۱)؛ کاویانی، ۱۳۸۹: ۱۴۳).

راه حل یادشده اگرچه مبتنی بر تحلیل حقوقی خاص خود است اما به‌هرحال با این ایراد روبروست که امضای صادرکننده از ارکان صدور سند تجاری است و ایجاد و تحقق سند تجاری هم منوط به صدور آن است. در فرضی که ثابت می‌شود امضای صادرکننده جعلی است، معلوم می‌شود که سند تجاری صحیحاً صادر نشده و در واقع تحقق نیافته است؛ بنابراین، سندی که از اساس و پایه مخدوش است چگونه می‌تواند برای سایر امضاکنندگان ایجاد تعهد نماید؟ به عبارت دیگر، فرض تعهد براتی برای سایر امضاکنندگان سندی که صحیحاً صادر نشده و اعتبار قانونی نیافته است، ترتب اثر قانونی بر یک موجود غیرقانونی و جعلی است. البته ایراد یادشده را می‌توان این‌گونه پاسخ داد که تعهد و مسئولیت سایر امضاکنندگان مبتنی بر عمل حقوقی دیگری غیر از صدور سند است که مطابق فرض اشکالی نداشته و صحیحاً شکل گرفته است.

با این همه در نظام‌های تابع کامن‌لا بر اساس تأسیس حقوقی تضمین (warranty)، راه حل و مبنای دیگری برای مسئولیت سایر امضاکنندگان سند ارائه شده است و گفته می‌شود که مبنای مسئولیت ظهنویس و طرف‌های ثانوی سند تجاری (liability of secondary parties) ناشی از تضمین اصالت سند و نقض این تعهد ضمنی است (Corley & Shedd, 1989: 423). منظور از تعهد ضمنی هر گونه اقدام و بیانی است که نشانگر حقیقی بودن واقعیت یا اوضاع و احوالی است که باید باشد (Turner & Wunnicke, 2003: 150). در حقیقت، هر انتقال‌دهنده سند تجاری که آن را در قبال عوض ظهنویسی نموده یا به شخص با حسن نیت انتقال می‌دهد به‌طور ضمنی تضمین می‌کند که وی مالکیت قانونی سند را داراست، تمام امضاها را سند اصیل و معتبر بوده (کسی سند را امضا نموده که باید امضا می‌نمود)، هیچ‌گونه تغییری در مندرجات سند اعمال نشده، دفاع یا ادعای قانونی و معتبری از سوی هیچ شخصی

آثار حقوقی جعل امضای صادرکننده و ظهرنویس چک (مطالعه تطبیقی... ۱۹۷

نسبت به سند و علیه وی وجود نداشته و از ورشکستگی مسئولین سند اطلاعی ندارد: (Mann & Roberts, 2012: 55, Clarkson et al, 2009: 505, Miller & Jentz: 2003, 208) در ماده ۴۱۶-۳ قانون متحدالشکل تجاری ایالات متحده هم به این تعهد ضمنی انتقال‌دهنده‌ی سند تجاری اشاره شده است. بدیهی است در صورتی که هریک از وارانته‌ها یا تضمینات یادشده نقض شود، یعنی در فرض اثبات خلاف این امور، وی در برابر انتقال‌گیرنده و دارندگان بعدی سند مسئولیت خواهد داشت (Miller & Jentz: 2010, 550).

در حقوق موضوعه ایران در خصوص مبنای مسئولیت سایر امضاکنندگان، به نظر می‌رسد که گرایش دکترین به پذیرش راه حل رومی ژرمنی است (اسکینی: ۱۳۹۳، ۲۵، صقری، ۱۳۸۷: ۷۱-۷۲، اخلاقی، ۱۳۶۹: ۱۰ و ستوده تهرانی، ۱۳۷۴: ۲۲)؛ اما برخی صاحب‌نظران فقهی در خصوص مسئولیت ظهرنویس و ضامن اوراق تجاری تحلیل خاصی ارائه داده‌اند که به راه حل کامن‌لایی نزدیک است و به لحاظ فقهی حقوقی می‌تواند مبنای قابل قبولی برای اقامه دعوی علیه ظهرنویس و انتقال‌دهنده ورقه تجاری در این فرض باشد.

مطابق دیدگاه شهید صدر، مفاد تعهد ضامن و ظهرنویس ورقه تجاری آن است که وجه ورقه در سررسید تأدیه خواهد شد و به عبارت دیگر، ضامن و ظهرنویس «تأدیه شدن ورقه تجاری در سررسید» را تضمین می‌کنند. در فرضی که ورقه تجاری به علت اثبات جعلیت امضای صادرکننده قابل وصول نیست، «مورد تعهد» آن‌ها، یعنی «تأدیه شدن ورقه تجاری از سوی مدیون اسمی»، تحقق نیافته است و از آنجا که «تأدیه شدن ورقه» موضوعی است که فی‌نفسه ارزش مالی دارد و در فرض مسئله، این موضوع برای دائن و طلبکار ورقه تجاری فوت می‌شود؛ نتیجتاً غرامت آن بر عهده کسی که وقوع آن را تضمین نموده است، قرار می‌گیرد و ذمه ظهرنویس به «قیمت‌الاداء» که معادل ارزش طلب است، مشغول می‌شود (صدر: ۱۴۲۹، ۲۳۳).

همان‌گونه که گفته شد، اداره حقوقی قوه قضائیه طی نظریه ۷/۲۰۳ مورخ ۱۳۹۱/۲/۹ در این باره چنین اظهارنظر نموده است: «چکی که توسط دارنده حساب امضا نشده یا امضای وی جعل شده است هیچ‌گونه تعهدی برای وی ایجاد نمی‌کند و

بدون امضای واقعی دارنده حساب، سند تجاری شکل نگرفته و دارنده چک از مزایای این سند بی بهره خواهد بود و حتی علیه سایر امضاکنندگان نیز نمی تواند از آن به استناد یک سند تجاری از مزایای مربوط به سند تجاری استفاده نماید، زیرا با جعلی بودن امضای صادرکننده از ابتدا سند تجاری شکل نگرفته است و نیز با توجه به مقررات قانون صدور چک، به ویژه ماده ۱۴ آن، مقنن از دارنده چک مسروقه گرچه با حسن نیت باشد، حمایت نمی کند به خصوص در مواردی که صاحب حساب اعلام سرقت نموده است. با این حال فردی که به عنوان ظهرنویس ظاهری چک را امضا نموده هرچند این سند چک تلقی نمی شود ولی با توجه به مقررات قانون مدنی (امضاکننده) به عنوان امضاکننده سند عادی ممکن است، مسئولیت داشته باشد».

در بررسی نظریه فوق باید گفت: قسمت اول این نظریه یعنی عدم مسئولیت شخصی که امضایش جعل شده، مطابق قاعده است؛ زیرا ایجاد تعهد براتی، فرع بر حقیقی بودن امضای شخص است و ایراد جعل حتی در برابر دارنده با حسن نیت سند تجاری هم قابل طرح است؛ اما قسمت دوم نظریه از دو حیث قابل انتقاد است. اول از این جهت که سایر امضاکنندگان چک را به عنوان سند تجاری مسئول ندانسته است، در حالی که این نتیجه گیری با هیچیک از مبانی تعهد و مسئولیت امضاکنندگان سند تجاری سازگار نیست و صرف اثبات جعلی بودن امضای صادرکننده، مسئولیت سایر امضاکنندگان را در فرضی که آن را به عنوان سند تجاری صحیحاً امضا کرده اند، منتفی نمی کند. ثانیاً، اینکه ظهرنویس ظاهری را (به تعبیر نویسنده نظریه) به عنوان امضاکننده سند عادی مسئول دانسته است، وجهی ندارد؛ زیرا «مسئولیت ظهرنویس و انتقال دهنده» صرفاً در اسناد تجاری یا اسنادی همانند «برگ وثیقه» جاری است که قانون گذار به مسئولیت او در برابر دارنده سند حکم کرده باشد؛ اما در مورد انتقال سند عادی چنین مسئولیتی وجود ندارد و دعوی علیه ظهرنویس سند عادی تحت این عنوان مبنای قانونی ندارد و انتقال گیرنده صرفاً بر مبنای رابطه حقوقی میان خود و انتقال دهنده می تواند علیه او دعوایی را برای مطالبه طلب یا ضرر و زیان خود اقامه نماید.

۳. جعل در مرحله‌ی ظهر نویسی و انتقال سند تجاری

در صورتی که سند تجاری در وجه حامل یا شخص معینی صحیحاً صادر شده باشد و توسط شخصی غیر از دارنده و مالک واقعی ورقه به دیگری انتقال یافته باشد، وقوع این قضیه به‌ویژه در فرضی که انتقال گیرنده سند با حسن نیت باشد؛ مسائل حقوقی متنوع و پیچیده‌ای را در روابط میان اطراف سند تجاری ایجاد می‌کند. از آنجا که رویکرد هر یک از نظام‌های رومی ژرمنی و کامن‌لایی در مواجهه با این قضیه متفاوت است به مطالعه تطبیقی آن‌ها پرداخته و سپس رویکرد مناسب با حقوق موضوعه ایران را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۳.۱. رویکرد رومی ژرمنی

بر اساس رویکرد ژرمنی که در ماده ۱۶ کنوانسیون ۱۹۳۰ ژنو درباره برات و سفته و ماده ۱۹ کنوانسیون ۱۹۳۱ ژنو در باره چک نیز بیان شده و در بیش‌تر کشورهای تابع نظام رومی-ژرمنی پذیرفته شده است؛ دارنده‌ای که سند تجاری را با حسن نیت و بدون تقصیر سنگین، با یک سری ظهرنویسی‌های متوالی به نحو مشروع و قانونی تحصیل کرده و از عیب مالکیت انتقال‌دهنده اطلاع نداشته، حق قانونی و بی‌عیب مالکیت ورقه تجاری (good title) را به دست می‌آورد، حتی در موردی که سند تجاری، قبل از تصرف او گم شده یا سرقت شده یا امضای یکی از ظهر نویسان سابق مجعول باشد (Kessler, 1938: 863, Lando, 2003: 88).

این قاعده که در ماده ۱۵ کنوانسیون آنسیترال نیز به‌طور نسبی مورد پذیرش قرار گرفته است، مبتنی بر نظریه ژرمنی لزوم حمایت از انتقال گیرنده با حسن نیت سند تجاری است. بر اساس این قاعده، از انتقال گیرنده سند تجاری صرفاً مانند یک شخص متعارف در روند تجاری انتظار می‌رود نظم و ترتیب ظاهری سلسله ظهر نویسی را بررسی کند و هرگز از او انتظار نمی‌رود، مالکیت واقعی انتقال‌دهنده و ظهر نویسان سابق را احراز نماید (Kessler, 1938: 869). در غیر این صورت، نه‌تنها تکلیف مالایطاقی را برای اشخاص قائل شده‌ایم، بلکه در عمل مانع انتقال و گردش سریع و

آسان سند تجاری شده‌ایم که خود سبب جدایی اسناد تجاری از فلسفه وجودی آن‌ها به عنوان «ابزار پرداخت» می‌شود.

شخصی که به شیوه متعارف یادشده، دارنده سند تجاری می‌گردد مالکیت قانونی آن را نیز تحصیل می‌کند و حق دارد به محال‌علیه مراجعه و مبلغ سند را وصول نماید. چرا که بر اساس نظریه ژرمنی، مالکیت انتقال گیرنده با حسن نیت برگرفته از مالکیت انتقال دهنده و وابسته به آن نیست، بلکه کاملاً مستقل است. اگر انتقال گیرنده حسن نیت داشته و مرتکب تقصیر سنگین نشده باشد، همواره مالکیت ورقه تجاری را به دست می‌آورد حتی اگر انتقال دهنده یا یکی از ظهرنویسان سابق مالک ورقه نبوده باشد.

در نتیجه این قاعده، محال‌علیه هم که وجه سند را به متصرفی که مالکیت خود را بر اساس یک سری ظهرنویسی‌های لاینقطع معلوم کرده، بپردازد؛ مسئولیتی در برابر مالک واقعی ورقه نخواهد داشت. در فرض امتناع محال‌علیه از پرداخت وجه سند تجاری، دارنده با حسن نیت که همراه با مالکیت ورقه تجاری، حقوق مندرج در آن را در مقابل ایادی ماقبل خود به دست آورده است، حق رجوع به سایر مسئولان سند را خواهد داشت. بر این اساس، مالک حقیقی سند تجاری نیز که مطابق این قاعده مالکیت ورقه تجاری را از دست می‌دهد، برای جبران خسارت خود می‌تواند به جاعل یا شخصی که سند را به نحو غیرقانونی تحصیل کرده و انتقال داده، رجوع کند.

۳.۲. رویکرد کامن‌لایی

در رویکرد کامن‌لایی، در صورتی که سند تجاری مفقود، سرقت و یا با هر اقدام مجرمانه دیگری تحصیل شود، متصرف چنین سندی شخصی نیست که بتواند آن را با ظهر نویسی به دیگری انتقال داده یا به عنوان دارنده سند بتواند حقوق ناشی از آن را اعمال و اجرا نماید (Mcjohn, 2012: 116). این قاعده بر این مبنا استوار است که «شخصی که مالک چیزی نیست، نمی‌تواند آن را به دیگری انتقال دهد!». (Beale, 1999: 1176). با این وجود، در صورتی که متصرف چنین سندی با جعل امضای دارنده واقعی، آن را به شخص دیگری که از عدم مالکیت او اطلاعی ندارد،

آثار حقوقی جعل امضای صادرکننده و ظهرنویس چک (مطالعه تطبیقی... ۲۰۱

انتقال دهد؛ در دوران امر بین حمایت از مالک حقیقی و قانونی سند تجاری و متصرف یا دارنده ظاهری آن، دیدگاه کامن‌لایی از مالک حقیقی ورقه حمایت می‌کند.

بر اساس ماده ۲۴ قانون بروات انگلیس، در صورتی که امضای روی یا ظهر برات جعلی باشد یا بدون اختیار از جانب شخصی باشد که سند از طرف او امضا شده است، امضای جعلی یا فاقد اختیار کان لم یکن و غیر مؤثر است. بر اساس کامن‌لا، مالکیت انتقال گیرنده مأخوذ و مشتق از مالکیت انتقال‌دهنده است و در صورتی که دارنده ظاهری سند مالک ورقه نباشد، اصولاً حقی توسط وی به دیگری قابل انتقال نیست. در حقوق کشورهای پیرو این نظام، انتقال گیرنده با حسن نیت نمی‌تواند حق مالکیت ورقه تجاری را با ظهرنویسی مجعول به دست آورد؛ زیرا هیچ شخصی نمی‌تواند از جعل سند تجاری مالکیتی تحصیل نماید؛ از این رو، چنین دارنده‌ای حق رجوع به قبول‌کننده یا مسئولان ثانوی سند تجاری را نیز ندارد (Kessler, 1938: 872). زیرا ظهرنویسی مجعول سبب انتقال مالکیت نیست و شخصی که سند را با ظهرنویسی مجعول به دست می‌آورد، مالک آن محسوب نمی‌شود (Miller & Jentz: 2010; Clarkson, 2009: 552). بنابراین، مالک واقعی سند تجاری می‌تواند کلیه حقوق خود را برابر تمام اشخاص قبل از ظهرنویسی جعلی و به‌ویژه در برابر مجال‌علیه حفظ نموده و حق دارد ورقه تجاری را از دارنده ظاهری مسترد نماید یا در صورتی که دارنده ظاهری وجه سند را از مجال‌علیه دریافت کرده باشد، دارنده واقعی به طور مستقیم می‌تواند جهت استرداد وجه علیه او و پرداخت‌کننده، اقامه دعوی کند (Kessler, 1938: 878).

برخی از مؤلفان کامن‌لایی معتقدند: انتقال گیرنده سند تجاری در صورتی مالکیت سند را به دست می‌آورد که سند در وضعیت قابل انتقال (negotiable state) قرار داشته و انتقال گیرنده آن را به طور قانونی و در مقابل عوض به دست آورده باشد. بر اساس این دیدگاه، با توجه به شرط اول، یعنی «وضعیت قابل انتقال» باید بین سند تجاری در وجه حامل و سند در وجه شخص معین تفکیک قائل شد. چک یا سفته در وجه حامل به سادگی و با تسلیم آن انتقال می‌یابد و نیازی به ظهرنویسی ندارد؛ زیرا چنین سندی وضعیت قابل انتقال دارد و با دست‌به‌دست شدن و قبض و اقباض انتقال می‌یابد. (Borrie, 1988: 222) به بیان دیگر، در سند در وجه حامل، دارنده مالکیت ورقه را با

تسلیم به دست می‌آورد و مشمول دعوی ناشی از ظهرنویسی مجعول قرار نمی‌گیرد (Beale, 1999: 308). در خصوص چنین سندی نه‌تنها دارنده عملاً می‌تواند آن را انتقال دهد، بلکه انتقال گیرنده نیز به عنوان دارنده با حسن‌نیت تلقی و دعوی مسروقه بودن سند تجاری در برابر وی قابل طرح و استماع نیست؛ بنابراین، چنین دارنده‌ای حق اعمال و اجرای حقوق ناشی از سند را داراست و پرداخت به وی قانوناً قابل قبول است و پرداخت‌کننده نیز قابل حمایت است و تکلیفی به پرداخت دوباره وجه سند به مدعی مالکیت آن ندارد. (Lawrence, 2003: 99)

اما سند تجاری در وجه شخص معین و یا به حواله‌کرد او، صرفاً با امضا و ظهرنویسی همان شخص یا نماینده وی به دیگری انتقال می‌یابد. به بیان دیگر، چنین سندی که در وجه شخص معین است قابل انتقال به دیگری نیست مگر توسط دارنده و مالک واقعی آن؛ بنابراین، اگر شخصی که سند در وجه او صادر شده یا انتقال یافته است، در واقع ظهر سند را امضا نکرده بلکه با جعل امضای او سند ظهرنویسی شده باشد، انتقالی صورت نمی‌گیرد و مالک ورقه تجاری کماکان شخصی است که سند از تصرف وی خارج شده است و از این رو می‌تواند آن را در دست هر کسی که بپاید، مسترد نماید؛ اگرچه متصرف فعلی آن را از راه معامله و در مقابل دادن عوض از متصرف قبلی (جاعل) دریافت نموده باشد. (Borrie, 1988: 222)

بنابراین، ظهرنویسی جعلی در این نظام حقوقی کاملاً بی‌تأثیر است (Greene, 2005: 6) و هر کسی که سند تجاری را بعد از چنین ظهرنویسی به دست آورده باشد، مالکیتی نسبت به آن ندارد و حق مراجعه و نیز اقامه دعوی علیه ایادی قبل از ظهر نویسی جعلی را نخواهد داشت؛ حتی اگر دارنده فعلی جعلی بودن ظهر نویسی آگاه نباشد. چنین شخصی صرفاً حق مطالبه ضرر و زیان خود از دهنده ورقه (جاعل) دارد. در حقیقت، شخصی که اقدام به امضای سند تجاری نموده و آن را به او انتقال داده در برابر وی مسئول است و شخصی که امضای منتسب به او جعلی است، مسئولیتی ندارد (Miller & Jentz, 2010: 564).

در فرضی که سند تجاری بعد از ظهرنویسی جعلی چندین بار انتقال یافته باشد، اگرچه مالکیت ورقه تجاری برای مالک حقیقی آن باقی می‌ماند، اما انتقال گیرنده با

حسن نیت حق رجوع به ید یا ایادی ماقبل خود (انتقال دهندگان ورقه پس از ظهرنویسی جعلی) دارد؛ زیرا این اشخاص به طور ضمنی تضمین نموده اند که این سند و امضاهای مندرج در آن (اعم از صادرکننده و ظهرنویسان) معتبر است. پس اثبات این امر که یکی از ظهرنویسی های قبلی جعلی بوده، سبب رفع مسئولیت انتقال دهندگان نمی شود و به مقتضای تعهد و تضمین خود در برابر انتقال گیرنده با حسن نیت مسئولند (Judge, 1999: 412). به بیان دیگر، دارنده سند هر چند حق رجوع به محال علیه ندارد و محل سند نزد او به گونه ای متعلق به مالک حقیقی سند تجاری است اما حق رجوع به امضاکنندگان بعد از جعل دارد (Kessler, 1938: 874).

برخی مفسرین قانون متحدالشکل تجاری آمریکا معتقدند: در فرضی که ظهرنویسی جعلی و بدون مجوز است، خسارت ناشی از این اقدام بر اولین شخصی که سند تجاری به واسطه ظهرنویسی جعلی به او انتقال یافته، بار می شود. این قاعده عمومی بر این مبنا استوار است که اولین شخصی که سند تجاری را بدین نحو اخذ می کند در بهترین موقعیت جهت ممانعت و جلوگیری از تحقق ضرر قرار داشته است (Miller & Jentz, 2010: 565, Geva, 2012: 91).

بهرحال، با توجه به این واقعیت که در نظام های تابع کامن لا، مالکیت سند تجاری که با ظهرنویسی جعلی انتقال یافته از آن مالک حقیقی و نه ظاهری سند تجاری است؛ محال علیه و همچنین امضاکنندگان قبل از جعل امضای منتسب به ظهرنویس، در برابر مالک واقعی سند تجاری مسئولیت دارند ولی در برابر اشخاصی که متعاقب جعل، سند تجاری را به دست آورده اند، مسئولیتی ندارند. از این رو، پرداخت وجه سند تجاری توسط ایشان به دارنده ظاهری سند تجاری رافع مسئولیت ایشان در برابر مالک واقعی سند تجاری نبوده و موجب ایفای تعهد این اشخاص نمی گردد. هر چند، در صورت پرداخت مجدد وجه سند به دارنده حقیقی، محال علیه و متعهدین سند تجاری حق دارند به دارنده ظاهری که مبلغ سند را دریافت نموده، رجوع نمایند. بدین ترتیب، پرداخت وجه سند توسط محال علیه به دارنده ظاهری، تعهد براتی سایر مسئولان سند تجاری در برابر دارنده واقعی را منتفی نمی سازد (Kessler, 1938: 879).

۳.۳. حقوق موضوعه ایران

در قانون تجارت ایران راه حل روشنی در این باره پیش‌بینی نشده است و راه حل مسئله را باید بر اساس اصول و قواعد حاکم بر اسناد تجاری و ماده ۱۴ قانون صدور چک استنباط کرد. به موجب ماده ۱۴ قانون صدور چک، «صادرکننده چک یا ذینفع یا قائم‌مقام قانونی آن‌ها با تصریح به اینکه چک مفقود یا سرقت یا جعل شده و یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرائم دیگر تحصیل گردیده، می‌تواند کتباً دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک محال علیه بدهد. بانک پس از احراز هویت دستوردهنده از پرداخت وجه آن خودداری خواهد کرد و در صورت ارائه چک بانک گواهی عدم پرداخت را با ذکر علت اعلام شده صادر و تسلیم می‌نماید...» حکم یادشده بر این مبنا استوار است که در فرض صحت ادعای دستوردهنده، مالکیت ورقه تجاری متعلق به اوست و متصرف یا دارنده ظاهری سند تجاری مورد حمایت قانون محسوب نمی‌شود. ذی‌نفع در این ماده اصولاً شخصی است که خود را مالک واقعی سند تجاری می‌داند و ادعا دارد که چک را مفقود نموده یا از او سرقت شده یا به واسطه جعل، خیانت در امانت، شروع به کلاهبرداری یا جرائم دیگر از ید او خارج شده است.

در خصوص ماده ۱۴ قانون صدور چک، دو تفسیر متفاوت قابل ارائه است:

اول، تفسیر منطقی ماده بر مبنای اصول و قواعد کلی حاکم بر اسناد تجاری و نگاه کارکردگرایانه به این قواعد است. بر این مبنا و با در نظر گرفتن کارکرد اسناد تجاری به عنوان یک سیستم پرداخت و لزوم حمایت قانون از دارندگان با حسن نیت این اوراق، حکم ماده ۱۴ قانون فوق، اصولاً ناظر به فرضی است که ادعا و اثبات شود متصرف فعلی چک، خودش آن را پیدا و تصاحب نموده یا مرتکب هر یک از اقدامات مجرمانه مذکور در ماده یاد شده گردیده است، در این صورت ماده ۱۴، با اصول و قواعد حاکم بر اسناد تجاری، آن‌گونه که در کنوانسیون‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۳۱ ژنو و نظام‌های رومی-ژرمنی اجرا می‌شود، کاملاً انطباق دارد؛ زیرا متصرف و دارنده ظاهری سند، آن را از طریق مشروع و قانونی و در قبال پرداخت عوض تحصیل نموده است و چنین شخصی دارنده مورد حمایت قانون نیست و هرگونه ایراد و ادعایی در برابر او قابل

آثار حقوقی جعل امضای صادرکننده و ظهرنویس چک (مطالعه تطبیقی... ۲۰۵

طرح و مسموع است. به عبارت دیگر، ماده ۱۴ ناظر به موردی است که سند تجاری توسط چنین شخصی (یابنده و یا تحصیل کننده ورقه از طریق مجرمانه) به دارنده با حسن نیت انتقال نیافته است و سند همچنان در تصرف وی باقی است؛ اما در صورتی که سند تجاری به شخصی که از عیب سند آگاهی نداشته، انتقال یافته باشد و متصرف فعلی ورقه تجاری دارنده با حسن نیتی است که سند را به نحو معوض یعنی در برابر کالا یا خدمتی تحصیل کرده است، ادعای فوق علیه او قابل طرح نیست و زیان دیده باید علیه شخص متخلف اقامه دعوی نماید (حسن زاده، ۱۳۹۳: ۲۹۳).

دوم، تفسیر لفظی و استناد به اطلاق ماده ۱۴ قانون صدور چک، است. در این دیدگاه، حکم ماده ۱۴ اطلاق دارد و میان وضعیتی که متصرف فعلی چک، خودش سند تجاری را با جعل امضای صادرکننده یا دارنده حقیقی ورقه و یا با ارتکاب سایر اعمال مجرمانه تحصیل کرده است و وضعیتی که شخص دیگری با جعل امضای صادرکننده یا دارنده واقعی، چک را به دارنده با حسن نیت فعلی یا ایادی ماقبل او انتقال داده است؛ تمایزی قائل نشده است؛ به عبارت دیگر، اطلاق ماده ۱۴ ق.ص.چ، حتی این فرض را که دارنده ظاهری سند تجاری، انتقال گیرنده با حسن نیت باشد، در بر می گیرد و مالک واقعی سند می تواند علیه او هم دعوی فوق را مطرح نموده و دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک محال علیه بدهد. با این تفسیر، حکم ماده ۱۴ قانون صدور چک ایران با رویکرد کشورهای کامن لا در خصوص این مسئله تا حدودی هماهنگی دارد (عبدی پور، ۱۳۹۳: ۲۷۰).

برخی نویسندگان حقوقی در خصوص این مسئله با ارائه یک برداشت شخصی، میان دو وضعیت جعل امضای صادرکننده و جعل امضای ظهرنویس تمایز قائل شده اند و معتقدند: اگر چک از طریق جعل امضای صاحب حساب، صادر و تحصیل شده باشد، این ایراد چون مربوط به خود امضا است، در برابر دارنده با حسن نیت نیز قابل استناد است. در این صورت وجه چک در بانک (محل چک) متعلق به صاحب حساب است و به دارنده پرداخت نمی شود. برابر قسمت اخیر ماده ۱۶ کنوانسیون ژنو، اصل چک از دارنده مزبور قابل استرداد نیست و نامبرده می تواند طبق اصل استقلال امضاها به سایر امضاکنندگان به صورت تضامنی مراجعه نماید (حسن زاده، ۱۳۹۳: ۲۹۴). در

فرضی که سند تجاری با جعل امضای منتسب به ظهرنویس، تحصیل شده باشد، چون ایراد مربوط به خود امضا است، در برابر دارنده با حسن نیت قابل استناد و سبب رهایی وی از مسئولیت است. ولی سند تجاری قابل استرداد نبوده و دارنده می‌تواند به صادرکننده و سایر مسئولان مراجعه نماید. شخص ذی‌نفع نیز باید برای دریافت وجه چک و خسارات آن، به شخص مجرم مراجعه نماید (حسن‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۹۴). البته این قسمت از استدلال ایشان که ایراد جعل امضا در برابر دارنده با حسن نیت نیز قابل استناد است، در هردو فرض تکرار شده و مطابق قاعده است؛ اما نویسنده فوق در خصوص این قضیه که با وجود اثبات جعلی بودن یکی از ظهرنویسی‌ها دارنده مالکیت ورقه را به دست آورده و می‌تواند به صادرکننده و سایر مسئولان مراجعه نماید؛ استدلال قابل قبولی ارائه نکرده است و رأی اصراری شماره ۲۰ مورخ ۱۳۶۹/۸/۱۵ هیئت عمومی دیوان عالی نیز چنین دلالتی ندارد.

اگرچه نویسنده فوق ادعا نموده که نظریه اکثریت قضات در نشست‌های قضایی در این راستا است، اما برخی آرای صادره بیانگر گرایش دادگاه‌ها به پذیرش تفسیر دوم یعنی تفسیر لفظی ماده ۱۴ ق.ص.چ و استناد به اطلاق آن است. برابر دادنامه شماره ۱۱۴۹ مورخ ۱۳۸۶/۹/۱۰ در پرونده کلاسه ۱۲۶۰/۶/۸۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، چکی که در اثر خیانت در امانت تحصیل شده، منصرف از اصل تجریدی بودن اسناد تجاری است و خواهان استحقاق دریافت وجه را ندارد (زندى، ۱۳۹۱: ۲۱۲). البته مفاد دادنامه مذکور ناظر به فرضی است که چک امانی بوده و با انتقال به دیگری از نظر دادگاه خیانت در امانت تلقی شده است و به اعتقاد دادگاه انتقال گیرنده نمی‌تواند دارنده با حسن نیت و متصرف قانونی و مورد حمایت محسوب شود.

نظریه شماره ۷/۲۰۳ مورخ ۱۳۹۱/۲/۹ اداره حقوقی قوه قضائیه که در خصوص آثار جعل امضای صادرکننده چک ارائه شده است، درباره مسئولیت سایر امضاکنندگان در فرضی که چک از سوی متصرف غیرقانونی به شخص دیگری انتقال یافته، چنین بیان داشته است: «... با توجه به مقررات قانون صدور چک، به‌ویژه ماده ۱۴ آن، مقنن از دارنده چک مسروقه گرچه با حسن نیت باشد، حمایت نمی‌کند به خصوص در مواردی که صاحب حساب اعلام سرقت نموده است. با این حال فردی که به عنوان ظهرنویس

آثار حقوقی جعل امضای صادرکننده و ظهرنویس چک (مطالعه تطبیقی... ۲۰۷

ظاهری چک را امضا نموده هرچند این سند چک تلقی نمی‌شود ولی با توجه به مقررات قانون مدنی (امضاکننده) به عنوان امضاکننده سند عادی ممکن است، مسئولیت داشته باشد». اگرچه این رأی قابل انتقاد است و در مبحث قبلی اشکالات آن را بررسی کردیم، اما به هر حال، بیانگر جهت‌گیری رویه قضایی به سمت تفسیر دوم و عمل به اطلاق ماده ۱۴ قانون صدور چک است.

به نظر می‌رسد، عمل به اطلاق ماده ۱۴ قانون صدور چک، با توجه به این واقعیت که نظام حقوقی ما اصولاً در دوران امر بین حمایت از «مالک حقیقی» و «انتقال گیرنده با حسن نیت» از مالک حقیقی حمایت می‌کند، در میان قضات دادگاه‌های ایران ترجیح دارد (عبدی‌پور فرد، ۱۳۹۴: ۲۷۰). اگرچه ممکن است این رویکرد برخلاف مصالح و مقتضیات تجاری و اقتصادی باشد و موجب تضعیف اعتبار اسناد تجاری و فاصله گرفتن این اسناد از کارکرد مطلوب خود به عنوان ابزار پرداخت کارآمد شود.

۴. مسئولیت بانک‌های پرداخت‌کننده و وصول‌کننده

۴.۱. مسئولیت بانک پرداخت‌کننده (محال علیه)

مسئولیت بانک محال علیه در صورت پرداخت وجه چکی که امضای صادرکننده یا ظهرنویس آن جعل شده است، باید در هر یک از دو فرض یادشده جداگانه بررسی و مبنای این مسئولیت تبیین شود:

در فرضی که بانک محال علیه اقدام به پرداخت وجه چکی می‌نماید که امضای صاحب حساب یا نماینده او به عنوان صادرکننده چک، جعل شده است؛ باید بین وضعیتی که متصدی بانک احتیاطات و کنترل متعارف را اعمال نموده و امضای روی چک با نمونه امضای صادرکننده در نزد بانک مطابقت داشته است و وضعیتی که عدم مطابقت امضای صادرکننده در حدود عرف بانکداری قابل تشخیص بوده و متصدی بانک مرتکب مسامحه و تقصیر شده است، تمایز قائل شد.

در حقوق آمریکا بسیاری از نویسندگان حقوقی، به طور مطلق و صرف نظر از اینکه بانک محال علیه در تطبیق امضای صادرکننده با نمونه امضای او در بانک مرتکب

تقصیر شده یا نشده باشد، بر این عقیده‌اند که دارنده حساب می‌تواند برای کل مبلغی که حساب وی به ناحق بدهکار گردیده است، به بانک پرداخت‌کننده مراجعه نماید؛ زیرا بانک متعهد است که بر مبنای امضای سپارنده وجوه و به نحو مستقیم در برابر وی یا نماینده‌اش عمل نماید؛ در حالی که در این مورد به تعهد خود مبنی بر پرداخت برابر دستور صادرکننده عمل ننموده است. به بیان دیگر این امضا هیچ اثری نداشته و صاحب حساب را متعهد نمی‌سازد، لذا بانک پرداخت‌کننده در برابر صاحب حساب مسئول است. (Mann & Roberts, 2012: 551, Miller & Jentz, 2010: 586)؛ اما به نظر برخی دیگر، بانک صرفاً وظیفه دارد بر اساس نمونه امضای مشتری در بانک، بررسی نماید که آیا امضا اصالت دارد یا خیر و گرنه خود مسئول است (Clarkson: 2012, 549).

در حقوق انگلیس، بانک در صورت پرداخت چکی که امضای صاحب حساب جعل گردیده، یا در سایر مندرجات آن جعل و تقلبی صورت گرفته، در برابر وی مسئول است؛ زیرا پرداخت چنین چکی مانند مواردی است که مبلغ چک بدون دستور صاحب حساب صورت گرفته است. با این وجود، در فرض جعل امضا، تقلب و تغییر مندرجات چک قاعده آن است که صاحب حساب باید احتیاطات لازم را به گونه‌ای معمول دارد که سبب تحقق این جرائم فراهم نگردد و الا بانک پرداخت‌کننده مسئولیتی ندارد و صاحب حساب خود باید متحمل زیان گردد. در حقیقت هر گونه غفلت مرتبط با صدور چک برابر اوضاع و احوال خاص حاکم بر موضوع، سبب رفع مسئولیت بانک در پرداخت وجه به دارنده می‌گردد. (Beal, 1999: 307-308)

در حقوق فرانسه قاعده مسلم آن است که بانک مکلف است صحت امضای مندرج در چک را با نمونه امضایی که صادرکننده، حین افتتاح حساب، نزد بانک و روی کارت مخصوص منعکس نموده است، احراز نماید. (ریپر و روبلو، ۲۰۰۸: ۳۷۹) از این رو، در فرض جعل امضای صاحب حساب، چنانچه جعلی بودن امضا به آسانی قابل تشخیص باشد بانکی که چک را پرداخت نموده مسئول خواهد بود. برعکس، هر گاه امضا منتسب به صادرکننده به نحو ماهرانه جعل شده باشد، بانک مسئول نخواهد بود. با وجود این، دیوان کشور فرانسه گاه چنین تصمیم گرفته است که اگر چک از

آثار حقوقی جعل امضای صادرکننده و ظهرنویس چک (مطالعه تطبیقی... ۲۰۹

همان ابتدای صدور متضمن امضای جعلی بوده باشد، چک تلقی نمی‌شود و پرداخت وجه آن به دارنده مانند پرداخت به غیردائن است و برابر ماده ۱۲۳۹ قانون مدنی فرانسه صحیح نیست؛ بنابراین بانک در برابر صادرکننده مسئول باقی خواهد ماند، مشروط به اینکه صادرکننده مرتکب خطا نشده باشد. (اسکینی، ۱۳۹۲: ۲۱۶)

در حقوق ایران، به نظر برخی مؤلفان، در صورت سرقت، جعل یا مفقودی چک، ذی‌نفع باید بدون تأخیر بانک را کتباً از این موضوع آگاه سازد و در صورت عدم اطلاع، چنانچه بانک وجه چک را بپردازد، مسئولیتی نخواهد داشت، زیرا غفلت ذینفع نیز در پرداخت وجه چک مؤثر بوده است (صقری، ۱۳۸۷: ۵۲۱). برخی دیگر از محققان معتقدند: در فرض جعل امضای صادرکننده، باید قائل به تفکیک شد: اول، در صورت عدم اعلام ذی‌نفع به بانک و در موردی که در مندرجات چک جعل یا تزویر به نحو ماهرانه صورت گرفته باشد، بانک محال‌علیه تکلیفی در کشف آن یا احراز اصالت چک ندارد و صرفاً صحت ظاهری چک و مطابقت امضای صادرکننده را در حدود عرف بانکداری بررسی می‌کند. پس اگر امضای روی چک برحسب ظاهر مطابق نمونه‌ای باشد که در بانک موجود است، مسئولیتی متوجه بانک محال‌علیه نخواهد بود؛ اما در مواردی که امضای منعکس در چک با نمونه امضای موجود صاحب حساب در بانک، مطابقت نداشته و جعل و تقلب در چک آشکار باشد، لیکن به دلیل مسامحه و سهل‌انگاری تحویل‌دار بانک وجه چک پرداخت شده باشد، بانک ضامن خسارت دارنده حساب به دلیل تقصیر و سهل‌انگاری کارکنان خود است (اسکینی، ۱۳۹۲: ۲۱۷، عبدی‌پور، ۱۳۹۴: ۲۴۷).

اما در خصوص مسئولیت بانک پرداخت‌کننده در فرض جعلی بودن امضای ظهرنویس باید گفت: در حقوق آمریکا، با توجه به عدم انتقال مالکیت چک با ظهر نویسی مجعول، ارائه‌کننده چک دارنده قانونی آن محسوب نمی‌گردد، تا حق دریافت مبلغ چک را داشته باشد. لذا در فرض پرداخت به وی، بانک مکلف به استرداد وجه به حساب مشتری است یا از جهت دیگر بانک در برابر مشتری از جهت نقض قرارداد مسئول است. به تعبیر دیگر در این فرض بانک دستور صادرکننده مبنی بر پرداخت به دارنده واقعی را نقض نموده است. هرچند در این فرض بانک حق دارد به جهت نقض

تضمین یا تعهد ضمنی بانک وصول‌کننده مبنی بر دارنده قانونی بودن شخصی که به نمایندگی از وی اقدام به وصول چک نموده است، به بانک مزبور رجوع کند و مبلغ پرداختی را بر اساس ماده 2- a - 207-4 قانون متحدالشکل تجاری مسترد دارد. (Clarkson, 2012: 529)

در حقوق انگلیس، به رغم این قاعده که با ظهر نویسی جعلی مالکیت آن به انتقال گیرنده با حسن نیت هم منتقل نمی‌شود، ماده ۶۰ قانون بروات انگلیس در چنین مواردی از بانک حمایت می‌کند. به موجب این ماده در صورتی که بانک در روند متعارف تجاری وجه سند را بپردازد، پرداخت‌کننده با حسن نیت تلقی می‌شود. این مقرره، صرف‌نظر از اینکه پرداخت در محل پیش‌خوان شعبه یا از طریق سیستم کلر و توسط بانک وصول‌کننده انجام شده باشد، صادق است (Beal, 1999: 308). با این وجود، در صورت غفلت و قصور بانک، چنین پرداختی صحیح تلقی نمی‌گردد و سبب مسئولیت بانک محال‌علیه است (Geva, 2000: 1768).

در حقوق فرانسه، در مورد چک‌های قابل ظهر نویسی بانک مکلف به بررسی سلسله ظهرنویسی‌ها و نه خود ظهر نویسی است. (ریپر و روبلو، ۲۰۰۸: ۳۷۹). ماده ۳۵ کنوانسیون ژنو هم بیانگر این موضوع است. پس در فرضی که بانک با حسن نیت و با رعایت استانداردهای تجاری نسبت به پرداخت وجه چک با ظهرنویسی مجعول اقدام نماید، در برابر اشخاصی که ادعایی در مورد آن دارند، مسئولیتی ندارد (Geva, 2000: 1765). مبنای عدم مسئولیت بانک در این فرض آن است که دارنده ظاهری سند تجاری در این سیستم حقوقی مالک آن محسوب و مورد حمایت است. لذا پرداخت صورت گرفته به چنین دارنده‌ای صحیح تلقی و موجب رهایی بانک از مسئولیت می‌گردد. بدیهی است در این فرض مالک واقعی حق مراجعه به جاعل دارد (Geva, 2000: 1765).

در حقوق ایران هم به نظر می‌رسد در صورت جعل امضای یکی از ظهرنویسان، با توجه به اینکه بانک سابقه‌ای از امضای مالک واقعی و شخصی که ظهرنویس قلمداد شده است، ندارد؛ اصل بر عدم مسئولیت بانک است مگر اینکه کارکنان بانک در موارد جعل و تقلب آشکار در سند مرتکب مسامحه و سهل‌انگاری شده باشند که در این

آثار حقوقی جعل امضای صادرکننده و ظهرنویس چک (مطالعه تطبیقی... ۲۱۱

صورت بانک مسئول جبران خسارت وارده به زیان‌دیده خواهد بود (عبدی‌پور: ۱۳۹۴، ۲۴۷، صقری: ۱۳۸۷، ۵۲۲). مفاد تبصره ۳ ماده ۵ مقررات شرایط عمومی حساب‌های جاری نیز متضمن این معنی است.

۴.۲. مسئولیت بانک وصول‌کننده

در مورد مسئولیت بانکی که به نمایندگی از دارنده ظاهری اقدام به مطالبه و وصول وجه چکی نموده که امضای صادرکننده یا ظهرنویس آن جعل شده است، با توجه به اختلاف رویکرد نظام‌ها در هریک از فروض یادشده، باید بحث را تفکیک نموده و مبنای مسئولیت احتمالی بانک وصول‌کننده را در هر دو فرض بررسی می‌نماییم:

در فرضی که بانک وصول‌کننده اقدام به مطالبه و وصول چکی کرده که امضای صاحب حساب یا نماینده او به عنوان صادرکننده چک، جعل شده است؛ با توجه به اینکه این بانک با ارسال اصل یا تصویر الکترونیکی چک به نمایندگی از دارنده ظاهری اقدام می‌نماید و هیچ‌گونه سابقه‌ای نیز از نمونه امضای صادرکننده در سوابق خود ندارد، حکم موضوع تابع فرضی است که بانک پرداخت‌کننده بررسی و احتیاط لازم را در مورد تطبیق امضای چک با نمونه امضای موجود در بانک انجام داده یا نداده است. لذا در این فرض اصل بر عدم مسئولیت بانک وصول‌کننده است. با وجود این، در سیستم‌های کامن‌لایی بانک وصول‌کننده بر مبنای نقض تضمین یا تعهد ضمنی خود، در برابر بانک پرداخت‌کننده مسئولیت محض دارد (Schmidt, 1978:973; Miller&Jentz, 2010:587; Woodward, 1973:321).

در حقوق ایران هرچند در قوانین و مقررات موضوعه به حقوق و مسئولیت بانک‌ها در وصول وجه اسناد و حدود آن اشاره‌ای نشده است؛ حکم موضوع تابع این قضیه است که بانک پرداخت‌کننده احتیاطات لازم در بررسی و مطابقت امضای روی چک با نمونه امضای مشتری نزد خود را به عمل آورده یا نیاورده باشد.

اما در فرضی که بانک اقدام به مطالبه و وصول وجه چکی کرده که امضای

ظهنویس در ظهر آن جعل شده است، در حقوق آمریکا به نظر برخی مفسران، برابر ماده (۳) ۴۱۹-۳ قانون متحدالشکل تجاری، بانک وصول‌کننده به عنوان نماینده مادام که با حسن نیت و برابر استانداردهای تجاری متعارف عمل نموده باشد، در برابر مالک واقعی ورقه مسئولیتی ندارد. (Schmidt: 1978, 973, Miller & Jentz: 2010, 587) اما گرایش عمده رویه قضایی به سوی مسئولیت بانک وصول‌کننده است (Woodward, 1973: 321, Schmidt: 1978: 973, Young, 1976: 100, Miller & Jentz, Ibid). زیرا اولاً، بانکی که سند جعلی را وصول نموده برابر استانداردهای تجاری متعارف عمل ننموده است. ثانیاً، روند وصول و مبادله مبلغ چک در دستان بانک قرار دارد؛ به بیان دیگر مضمون تصرف غیرقانونی مال دیگری است. ثالثاً، نمایندگی بانک وصول‌کننده شامل وصول اسناد جعلی نمی‌گردد و صرفاً ناظر به وضعیت صحیح نمایندگی است (Wagner, 1973: 161- 162, Schmidt, 1978: 984). به نظر برخی از مؤلفان، در این فرض بانک وصول‌کننده مسئولیت محض دارد (Geva, 2012: 92).

در حقوق انگلستان، بانک وصول‌کننده در برابر دعوی مالک حقیقی مبنی بر تصرف غیرقانونی چک، می‌تواند به استناد ماده ۴ قانون چک ۱۹۵۷، از خود دفاع نماید. برابر این ماده بانک در فرض وصول وجه چک به نفع مشتری با رعایت استانداردهای متعارف، و داشتن حسن نیت و عدم غفلت و سهل‌انگاری، علی‌رغم وجود عیب و نقص در مالکیت مشتری، در برابر مالک حقیقی چک مسئولیتی ندارد (Beal, 1999: 1771, Geva, 2000: 316). علاوه بر آن، در برابر صادرکننده و بانک پرداخت‌کننده نیز مسئولیتی ندارد. (Greene & Osborne, 2005: 9) در حقوق فرانسه نیز این قاعده به طریق اولی حاکم است، چرا که در این سیستم، دارنده ظاهری مالک ورقه محسوب و هر اقدامی در راستای وصول مبلغ سند، مبنای قانونی دارد.

در حقوق ایران می‌توان گفت: در فرض جعل امضای یکی از ظهنویسان، بانک وصول‌کننده مسئولیتی ندارد، چراکه هیچ اطلاع و سابقه‌ای از امضای اشخاصی که چک را ظهنویسی نموده‌اند در بانک وجود ندارد. لذا در این‌گونه موارد اصل بر عدم مسئولیت بانک است مگر اینکه کارکنان بانک در موارد جعل و تقلب آشکار در سند مرتکب مسامحه و سهل‌انگاری شده باشند که در این صورت بانک مسئول جبران

خسارت وارده به صاحب حساب است. (عبدی پور فرد، ۱۳۹۴: ۲۴۷) با وجود این، ممکن است بر مبنای قواعد و مقررات حاکم بر تصرف غیرقانونی در مال غیر (ماده ۳۰۸ ق.م) استدلال شود، با توجه به فرض عدم انتقال مالکیت چک بر اساس ظهرنویسی مجعول به دارنده ظاهری، تصرف هر شخصی در وجه و مبلغ چک، از جمله تصرف بانک وصول‌کننده، تصرف در مال غیر و تابع احکام غصب است که در این صورت بانک و دارنده ظاهری چک در برابر مالک حقیقی ورقه در حکم غاصب محسوب می‌شوند و علم و جهل ایشان تأثیری در رفع مسئولیت آن‌ها ندارد. بر این مبنای، یعنی بر مبنای قاعده علی‌الید، تمام اشخاصی که وجه وصول‌شده چک را در تصرف داشته‌اند، به نحو تضامنی در برابر مالک حقیقی چک ضامن هستند.

۵. نتیجه‌گیری

به عنوان یک قاعده عمومی در حقوق اسناد تجاری شخصی که امضای منتسب به او در سند تجاری جعل گردیده است می‌تواند با اثبات جعلی بودن امضای انتسابی، خود را از تعهد و مسئولیت ناشی از امضای سند تجاری برهاند و در این خصوص اختلاف رویه‌ای میان نظام‌های مختلف حقوقی اعم از رومی- ژرمنی، کامن‌لا و حقوق ایران وجود ندارد. از این رو، ایراد جعل در برابر هر شخصی، حتی دارنده با حسن نیت سند تجاری قابل استناد است. با این همه اثبات مجعول بودن امضای مندرج در سند تجاری، از حیث تأثیر آن بر حقوق و تعهدات ناشی از سند تجاری و روابط میان اطراف سند، بر حسب اینکه امضای مجعول منتسب به صادرکننده یا یکی از ظهرنویسان سند تجاری باشد؛ آثار حقوقی متفاوتی دارد و رویکرد نظام‌های حقوقی و راهکارهای آن‌ها در حل مسائل ناشی از این قضیه، متفاوت است.

در فرض جعلی بودن امضای منتسب به صادرکننده، نظام‌های حقوقی در خصوص میزان تأثیر این قضیه بر اعتبار ورقه تجاری اختلاف دیدگاه آشکاری دارند. با وجود پذیرش این واقعیت که صدور، ظهرنویسی و قبولی سند تجاری، اعمال حقوقی متمایزی هستند که برای امضاکننده تعهد مستقلی به نام تعهد براتی ایجاد می‌نماید اما

در خصوص تأثیر مجعول بودن امضای صادرکننده و اینکه صرفاً موجب بطلان تعهد اوست یا سند تجاری را به کلی از اعتبار می‌اندازد؛ رویکرد نظام‌های رومی-ژرمنی و کامن‌لایی متفاوت است. از دیدگاه کامن‌لایی، تحقق سند تجاری منوط به صحت صدور سند تجاری است و با بطلان صدور، سند تجاری کلاً از اعتبار ساقط می‌شود و بر این اساس، مبنای مسئولیت سایر امضاکنندگان تعهد براتی نیست بلکه وراثتی یا تضمین اصالت صدور سند تجاری است.

در فرض جعلی بودن امضای یکی از ظهرنویسان، رویکرد نظام‌های حقوقی در خصوص تأثیر این مسئله بر حقوق انتقال گیرنده ناآگاه، کاملاً متفاوت است. در نظام‌های رومی-ژرمنی مالکیت ورقه تجاری به دارنده با حسن نیت انتقال می‌یابد و بانک محال‌علیه نیز با پرداخت وجه چک به دارنده ظاهری، مسئولیتی در برابر مالک واقعی سند نخواهد داشت و در صورت عدم وصول چک، دارنده ظاهری حق رجوع به ایادی ماقبل خود را دارد؛ زیرا تعهدات براتی سایر امضاکنندگان بر مبنای اصل استقلال امضاها در برابر دارنده با حسن نیتی که به ظاهر سند اعتماد نموده، به اعتبار خود باقی است؛ اما در نظام‌های کامن‌لایی که مالکیت انتقال گیرنده مشتق و مأخوذ از مالکیت انتقال‌دهنده است، ظهر نویسی مجعول که به معنای جعل امضای دارنده حقیقی از سوی انتقال‌دهنده جاعل است، حتی بر فرض عدم آگاهی انتقال گیرنده، موجب انتقال مالکیت ورقه به وی نمی‌شود و مالک حقیقی ورقه می‌تواند حقوق خود را برابر تمام اشخاص قبل از ظهرنویسی جعلی و محال‌علیه حفظ کند و حق دارد ورقه تجاری را از دارنده ظاهری مسترد دارد و در صورت پرداخت شدن وجه چک به چنین دارنده‌ای، وجه آن را مسترد سازد. در حقوق موضوعه ایران، راه حل این مسئله برحسب تفسیر منطقی یا تفسیر لفظی ماده ۱۴ قانون صدور چک و عمل به اطلاق آن متفاوت است و بر حسب مورد ما را به یکی از دو رویکرد فوق نزدیک می‌سازد.

در رویکرد رومی-ژرمنی بانک‌ها و اشخاص دیگری که در روند وصول و پرداخت وجه به دارنده‌ی ظاهری برابر استانداردها و رویه متعارف عمل نموده باشند، اعم از تحقق جعل در مرحله صدور یا انتقال، در برابر مالک حقیقی سند مسئولیتی ندارند و زیان‌دیده صرفاً حق مراجعه به جاعل و مجرم (انتقال‌دهنده) را خواهد داشت.

آثار حقوقی جعل امضای صادرکننده و ظهرنویس چک (مطالعه تطبیقی... ۲۱۵

حال آن که در سیستم‌های کامن‌لای، بانک‌ها و اشخاصی که در روند وصول سند دخیل بوده‌اند، بر مبنای تصرف غیرقانونی مال غیر، حسب مورد در برابر مالک حقیقی ورقه و یا شخصی که صادرکننده قلمداد و از حساب وی وجه سند پرداخت شده است، مسئول هستند.

پی‌نوشت‌ها

^۱. این قاعده که هیچ‌کس نمی‌تواند چیزی را که ندارد، انتقال دهد (*nemo dat quod non habet*)، از قواعد قدیمی کامن‌لای است که مفاد آن در برخی مقررات موضوعه همانند بند یک ماده ۲۱ قانون بیع کالای انگلیس (۱۹۷۹) آورده شده است. بر اساس آن، در صورتی که کالا توسط شخصی که مالک نیست و از طرف مالک اختیاری ندارد، فروخته شود؛ خریدار حقیقی بهتر از آنچه فروشنده داشته به دست نمی‌آورد. مگر اینکه مالک واقعی کالا به واسطه رفتار از انکار اختیار فروش فروشنده منع شود. (Beale: 1999, 1176) قاعده مزبور اگرچه در باره اموال عینی است لیکن در مورد انتقال اوراق تجاری نیز جاری است زیرا اوراق تجاری علاوه بر آنکه دربردارنده حق یا طلبی به نفع دارنده است مالک و دارنده ورقه‌ای است که مالیت دارد و مال محسوب می‌شود. (Beale: Ibid, 171) اگرچه در سیستم‌های تابع کامن‌لا هم استثنائاتی برای این قاعده در حمایت از خریدار یا انتقال گیرنده نیز وجود دارد، اما گرایش نظام‌های رومی ژرمنی در حمایت از انتقال گیرنده با حسن نیت پررنگ‌تر است. به گونه‌ای که در بسیاری از کشورهای حقوق نوشته قاعده تحصیل با حسن نیت (*good faith acquisition*) با شرایط پذیرفته شده است و در ماده ۱۰۱-۳ از جلد هشتم مقررات نمونه حقوق خصوصی اروپایی (CFR) امکان تحصیل مالکیت کالا توسط انتقال گیرنده با حسن نیت با شرایط خاصی مقرر شده است و در مواردی مالک اصلی مالکیت مال خود را از دست می‌دهد و برای جبران خسارت خود باید به انتقال دهنده رجوع نماید. (Bar & Clive: 2009, 4824) گفتنی است، کنوانسیون‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۳۱ ژنو نیز در توازن میان منافع دارنده واقعی ورقه تجاری و انتقال گیرنده با حسن نیت از شخص اخیر حمایت کرده است.

^۲. در نظام‌های تابع کامن‌لا مسئولیت بانک وصول‌کننده بر مبنای زیر استوار است:

A bank of first deposit and any other collecting bank makes a warranty to the paying bank that a check presented for payment is properly endorsed and that no endorsements are forged. [4.207(a)(1)] of UCC

منابع

الف. فارسی

- اخلاقی، بهروز (۱۳۶۹)، «چک در قلمرو حقوق تجارت بین‌الملل، دیدگاه‌های پیمان ژنو ۱۹۳۰»، *مجله حقوقی*، ش ۱۳، ۵-۵۰.
- اداره انتشار رویه قضایی کشور (۱۳۹۳)، *مجموعه آرای قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر (حقوقی)*، مهر ۱۳۹۱، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- اسکینی، ربیعا (۱۳۹۲)، *حقوق تجارت تطبیقی*، تهران: انتشارات مجد.
- اسکینی، ربیعا (۱۳۹۳)، *حقوق تجارت*، تهران: انتشارات سمت.
- حسن‌زاده، حیدر (۱۳۹۳)، *حقوق تجارت، اسناد تجاری*، تهران: انتشارات مجد.
- زند، محمدرضا (۱۳۹۱)، *رویه قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (اسناد تجاری)*، تهران: انتشارات جنگل.
- ستوده تهرانی، حسن (۱۳۷۴)، *حقوق تجارت*، جلد سوم، تهران: انتشارات دادگستر.
- صقری، محمد (۱۳۸۷)، *حقوق بازرگانی اسناد*، دوره ۲ جلدی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- عبدی‌پور فرد، ابراهیم (۱۳۹۳)، *مباحثی تحلیلی از حقوق تجارت*، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- عبدی‌پور فرد، ابراهیم (۱۳۹۴)، *حقوق تجارت جلد سوم، (اسناد تجاری)*، تهران: انتشارات مجد.
- کاوایانی، کورش (۱۳۸۹)، *حقوق اسناد تجاری*، تهران: انتشارات بنیاد حقوقی میزان.

ب. عربی

- ریپر و روبلو (۲۰۰۸)، *المطوّل فی القانون التجاری*، الجزء الثانی، ترجمه علی مقلد، بیروت: المؤسسة الجامعیة للدراسات و النشر و التوزیع.
- صدر، محمدباقر (۱۴۲۹)، *البنک اللاربوی فی الاسلام*، قم: مرکز الابحاث و الدراسات للشهید صدر.

ج. لاتین

- Bar, Christian von, Clive, Eric, (2009), **Principles, Definitions and Model Rules of European Private Law** (CFR), Vol.5, Munich, Sellier.
- Beale, H, G, **Chitty on Contracts**, (1999) 28Ed, Vol. 2, Specific Contracts, London, Sweet & Maxwell.
- Borrie, Gordon, (1988), **Commercial Law**, 6th ed, London, Butterworths.
- Clarkson, Kenneth A, Miller, Roger Leroy & Cross, Frank B, (2012), **Business Law Text and Cases**, 12Ed, USA, South -Western, Centage Learning.
- Clarkson, Kenneth A, Miller, Roger Leroy, Jentz, Gaylord A & Cross, Frank B, (2009), **Business Law**, 11Ed, USA, South -Western, Centage Learning.
- Corley, Robert N & Shedd, Petter J, (1989), **Principles of Business Law**, Prentice Hall, New Jersey.
- Geva, Benjamin, (2000), "Forged check endorsement losses under the ucc: the role of the policy in the emergence of law merchant from common law", **osgoode hall law school of york university**, Vol 45, No 4, 1733- 1788.
- Geva, Benjamin, (2012) "Forgery losses: banking be ware? « **National Banking Law Review**, Vol 31, No 6, 91-93.
- Gordon, Borrie, (1988), **Commercial Law**, 6th Ed, London, Butter worths.
- Greene, Peter R & Osborne, Michael, (2005), **the substantial difference between Canada and US in handling cheque claims**, Canada, Toronto, Ontario.
- Judge, Stephen, (1999) **Business Law**, 2th Ed, London, Macmillan Press.
- Kessler, Friedrich, (1938) "Forged endorsements", **Yale Law School Legal Scholarship Repository**, Vol 47, No 6, 863-897..
- Lando, Ole, (2003), **Principles of European Contract Law**, Part 3, Hague, Kluwer Law International.
- Lawrence, William. H, (2002) **Understanding Negotiable Instruments and Payment Systems**, Lexis Nexis.
- Mann, Richard A & Roberts, Barry S, (2012), **Business Law**, 15Ed, USA, South -Western, Centage Learning.
- McJohn, Stephen. M, (2012), **The Glannon Guide to Commercial Paper and Payment Systems**, 2th, New York, Wolters Clower law & Business.
- Miller, Roger Leroy & Jentz, Gaylord A, (2010), **Business Law Today**, 8th Ed, USA, South -Western, Centage Learning.

- Schmidt, Donald, (1978), "In Defense of U.C.C, 3-419", **Note Dame Law Review**, Vol 53, No 5,972-984.
- Turner, Paul & Wunnicke, (2003), Dian, **Managing the Risks of Payment Systems**,New Jersey, Wiely and Sons.
- Wagner, James A, (1973), "Negotiable Instruments- Forged Endorsements Liability of Payor Bank and Collecting Banks UCC", **Akron Law Review**, Vol 7:1,158-164.
- Woodward Jr,William J, (1973),"Santa Clara University School Unavailable to a Collecting or Payor Bank as a Defense to an Action in Conversion by the True Owner for Paying Out the Face Value of the Instrument on a Forged endorsement. Cooper v.Union Bank", 9 C al. 3d 123, 507 P.2d 609, 107 C al.Rptr, **Santa Clara Law**,Vo 5, 319-335.
- Young, Robert E, (1976), "Commercial Law, Conversion Liability of Collecting Bank to Payee of a Negotiable Instrument and the Defense of Uniform Commercial Code Section 3-419", **Missouri Law Review**, Vol 41, No 1, 99-107.